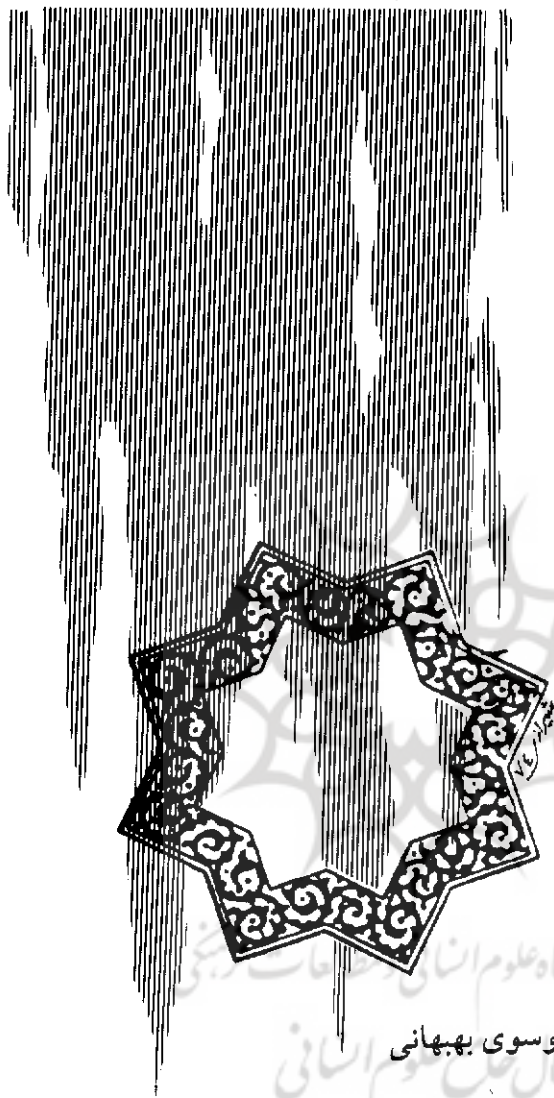
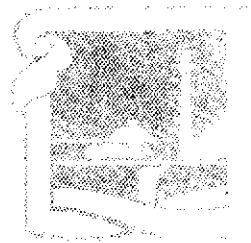


وقف و مقایسه آن با صدقات



دکتر سید علی مدرس موسوی بهبهانی

یابیم . همچنین به برخی مسائل و موضوعات جنبی نیز در آن مقاله به اجمال اشاره رفته بود که بی‌مناسبت نیست شرح و تفصیل بیشتری پیرامون آنها داده شود؛ از قبیل اینکه وظیفه فقیه چیست؟ استنباط احکام یا تعریف و تشخیص موضوعات؟ و اینکه آیا انحصار مباحث فقهی در احکام و عبادات و عقود و ایقاعات منطقی است؟ یا باید در این تقسیم بندی تجدید نظر کرد و براساس یک مبنای شرعی و منطقی مسائل فقهی را تقسیم بندی نمود؟ و نکات باریک دیگر که ان شاء الله در این مقاله به مناسبت‌های مختلف بدان اشاره خواهم کرد.

برای اینکه نوشته نظامی طبیعی داشته باشد لازم است نخست سه کلمه: «وقف ، صدقه و زکات» تعریف و معنی

انگیزه مؤثر و نزدیک در به نگارش آوردن این ملاحظات ، تکمیل و توضیح مقاله‌ای است که در موضوع «وقف از نظر فقه و قانون مدنی» پیش از این در همین فصلنامه نوشته‌ام. در آن مقاله یاد کرده بودم که کلمه «وقف» و مشتقات آن در قرآن و سنت و حتی آثار فقهای متقدم دیده نشده است ، و ادله مشروعیت وقف همان ادله مشروعیت صدقات است . در اینجا برسر آن هستم که با اشاره به مبحث زکات ، وجوه امتیاز و افتراق «وقف و صدقه» را با یاری خداوند به دست دهم.

علاوه براین در بخشهای مختلف مسأله وقف ، بسیاری از مسائل را به اجمال و اختصار برگزار کردیم که سزاوار است آنها را مفصل تر بررسی کرده به نکات روشن تری دست



بیان کنیم تا وجه امتیاز آنها و تفاوت آنها با وقف مشخص گردد.

صدقه: آنچه به درویش دهی در راه خدای تعالی (منتهی الارب). آنچه به راه خدا به فقرا دهند (غیاث اللغات). هر چه بدهند نه بر سبیل و جوب (مهذب الاسماء) مؤلف کشف اصطلاحات الفنون می گوید: صدقه (با دو فتحه) مشتق از صدق، بخششی را نامند که به منظور احراز ثواب باشد، نه به منظور اکرام، زیرا چنین بخشایشی راستی و خلوص بخشاینده را حکایت کند، کذا فی الجامع الرموز (کشف اصطلاحات الفنون به نقل لغت نامه دهخدا). در تاریخ تمدن آمده است که صدقه و زکات دو اسمی است که یک معنی دارد و از مسلمانان متمول گرفته و به فقرای اسلام داده می شد. صدقه یا زکات در مرکز (دار الخلافه) دیوان مخصوص داشت و شعب آن در تمام ممالک (شهرها و قصبات) دایر بود و مأمورین مخصوص آن را جمع و تفریق می کردند.

زکات^۱: صاحب کشف اصطلاحات الفنون ذیل کلمه «زکوة» می گوید: از جهت وزن و کتابت مانند کلمه «صلوة» و اسم مصدر است از «تزکیة». او اضافه می کند این کلمه در لغت به معنای رشد و نمو است که از برکت خدای متعال باشد. و در شریعت (فقه) مقدار معینی از نصاب است که سالانه، مسلمان آزاد مکلف باید آن را در راه خدا به فقیر مسلمان غیر اولاد بنی هاشم و غیر آزاد شده اولاد هاشمی بدهد.

کلمه «زکات» شامل صدقه هم می شود و با کلمه «معین» صدقه خارج می شود، زیرا در صدقه مقدار معین نیست و کلمات «آزاد و مسلمان و مکلف» شرایط شرعی و جوب زکات است همان طور که عقل و بلوغ نیز شرط است، و اینکه گفته شد به «فقیر مسلمان غیر هاشمی و غیر مولای هاشمی» داده می شود به آن جهت است که زکات را به شخص مالدار، کافر، اولاد هاشم و آزاد شده اولاد هاشم نباید داد. و قید اینکه «در راه خدا باشد» به این جهت است که زکات از عبادات است و باید از روی خلوص نیت برای خدا باشد. هم اضافه می کند که در اصطلاح شرعی تعاریف دیگری نیز برای زکات آورده اند که نزدیک به همین تعریف است و نیازی به ذکر آنها نیست، ولی بر همین تعریف اصطلاحی این اشکال وارد است که «دادن مقدار معین از اموال مخصوص» در شرع زکات است، نه «مقدار معین از مال»، زیرا زکات واجب شرعی است و جوب به فعل مکلف تعلق می گیرد، چنان که در نماز هم، ادای آن واجب است نه خود قرائت و رکوع و سجود، ولی ظاهراً در شرع (فقه) به هر دو معنی (دادن زکات و مقدار معین مال) به کار رفته است.

شود، آن گاه احکام و اقسام این سه مقوله و تمایز آنها در ماهیت و در احکام از نظر فقهی و قانونی بررسی شود. و اگر فرصتی دست داد جنبه اجرائی آنها را در دوران حکومت اسلامی در سرزمین های اسلامی از نظر می گذرانیم.

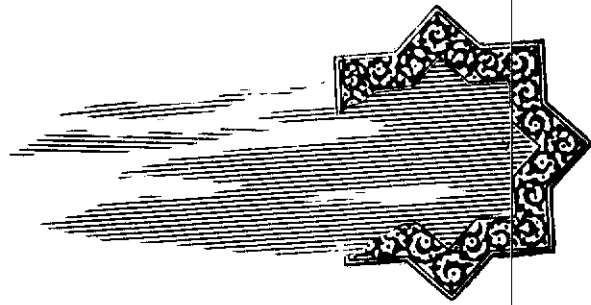
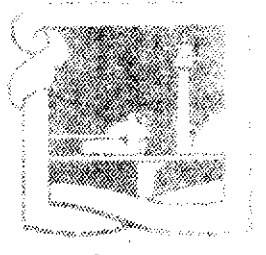
در خصوص تاریخچه اخذ صدقات و چگونگی جمع آوری و مصرف آن نیز سخن خواهیم گفت، نکته مهمی که لازم است اینجا آورده شود این است که صدقه - همین طور دو مورد دیگر - از جهت فقهی و قانونی چه ماهیتی دارد؟ آیا عقد است یا ایقاع یا عبادت یا حکم؟ علاوه بر این باید معلوم کرد که صدقه ناقل مالکیت صدقه دهنده است یا صرفاً موجب اباحه تصرف برای دیگران است؟ آیا مال الصدقه به تملک چه کسی در می آید؟ آیا رضای شخصی که مال الصدقه به تصرف او در می آید لازم نیست؟

گذشته از نکات یاد شده که جنبه های حکم وضعی صدقه را باید معلوم کند، باید دانست که آیا از جهت حکم تکلیفی، صدقات چه حکمی دارند؟ صدقه دادن واجب است یا مندوب یا مباح؟ آیا حکم تکلیفی در مورد صدقات بر حسب موارد و اوضاع مختلف فرق می کند؟ مثلاً صدقه دادن به مسلمانی که نیاز حیاتی دارد و می خواهد سد رمق کند واجب است و صدقه دادن به درویشی که در این حد فقیر نیست مستحب و صدقه دادن به افرادی که آن را خرج اعتیادات خود می کنند مثلاً مکروه یا حرام است؟ آیا صدقه دادن به غیر مسلمان، کتابی و غیر کتابی - چه حکمی دارد؟ آیا جهات دیگر از قبیل قرابت و خویشاوندی و یا همجواری و یا هموطن بودن در حکم تکلیفی صدقات اثر دارد یا نه؟ و بالاخره آیا بررسی نکات یاد شده جنبه فقهی و حقوقی دارد، یا از مسایل اجتماعی و اخلاقی است؟ و چه بسا جهات دیگر بشود فرض کرد که هم در تعیین ماهیت فقهی و حقوقی صدقه اثر داشته باشد و هم در حکم تکلیفی آن بی اثر نباشد.

در همین جا پاسخ این سؤال را که «آیا بررسی مطالب یاد شده جنبه فقهی و حقوقی دارد یا نه؟» می توان داد و گفت: آری این مسائل جنبه فقهی و قانونی دارد، زیرا درباره افعال عباد است، یعنی حکم صدقه دادن را که یکی از کارهای عباد و مردم است از نظر فقهی و قانونی معلوم می دارد و هر مسأله ای که حکم عمل و کار بنده را معلوم کند جنبه فقهی و قانونی دارد و فرقی نیست که حکم، وضعی یا تکلیفی باشد.

همچنین باید دید که صدقه با وقف چه نسبتی دارد؟ آیا در آیات و احادیث چه مطالبی در مورد صدقه آمده است؟ قبل از بررسی مطالب یاد شده لازم است مفهوم لغوی و اصطلاحی «صدقه» و «زکات» را در لغت و اصطلاح فقهی

۱ - باید دانست که کتابت این کلمه به صورت «زکات» است بر وزن و صورت «حیات»، ولی در قرآن مجید به صورت «زکوة» کتابت شده چنان که در کلمه «صلوة».



«امتناع از حرکت» است. و در اصطلاح شرعی یک نوع عطیه (بخشش) است که لازم آن حبس عین مال و رها و آزاد بودن منفعت آن است. مقصود از حبس عین مال آن است که عین موقوفه میراث نمی‌شود و تصرف در آن به صورت بیع و هبه و رهن و اجاره و اعاره و اشباه آن ممنوع است و مقصود از آزاد بودن منافع عین موقوفه آن است که منافع و ثمرات عین، صرف مواردی که واقف تعیین کرده بشود بدون دریافت عوض. به عقیده بعض فقها در مذهب اسلام وقف کردن بجز در مورد مسجد مشروع نیست، زیرا با مبادی شرعی منافات دارد. و این قول متروک است. تمام مذاهب فقهی بجز مذهب مالکیه اتفاق دارند بر اینکه وقف باید مؤبد و مستمر باشد تا تحقق یابد. و به همین جهت آن را «صدقه جاریه» می‌خوانند.

بنابراین اگر وقف را محدود به مدتی معین کند؛ مثلاً ده سال یا تا زمانی که آن را به ملکیت خود برگردانم، یا تا زمانی که خودم یا فرزند نام بدان نیاز پیدا کنیم یا تا زمانی که چنین و چنان شود، وقف به معنای صحیح آن محقق نمی‌شود. به نظر اکثر فقهای امامیه عمل مالک یادشده از جهت وقف بودن باطل است، ولی حبس شرعی است، البته به شرط آنکه مالک قصد حبس مال را داشته باشد؛ اما اگر قصد وقف داشته باشد نه حبس است و نه وقف.

معنای «حبس» شرعی آن است که انتفاع از عین مال مورد حبس در مدتی که مالک تعیین کرده صحیح است و پس از انقضای مدت، عین مال به مالکیت مالک اصلی عین بر می‌گردد.

باری در مورد شرایط دائمی بودن و استمرار وقف، اختلاف نظر است. فقهای مالکیه شرط استمرار را صحیح نمی‌دانند و برخی این شرط را مخلّ وقف نمی‌دانند، اما اگر وقف بر جهتی باشد که عادتاً از میان می‌رود و دوام نمی‌یابد؛ مثل اینکه وقف بر فرزندان موجود خود کند یا وقف بر کسانی کند که معمولاً منقرض می‌شود. آیا در این صورت وقف صحیح است یا باطل و اگر صحیح است پس از انقراض موقوف علیهم، مالک عین موقوفه چه کسی خواهد بود، مورد اختلاف است. بسیاری براین عقیده هستند که پس از انقراض مورد وقف، مالکیت عین به نزدیک‌ترین خویشاوندان واقف می‌رسد، و همین نظر یکی از دو نظر فقهای شافعی است.

فقهای حنفی این وقف را صحیح می‌دانند و وقف را پس از انقراض مورد آن راجع به فقرا می‌دانند، مالکی‌ها براین عقیده‌اند که پس از انقراض جهت وقف، عین موقوفه به نزدیک‌ترین فقرا واقف می‌رسد. و فقهای امامیه قائل‌اند بر اینکه این وقف صحیح است و پس از انقراض جهت وقف، عین موقوفه به ملکیت ورثه واقف می‌رسد.^۲

خلاصه، متعلق حکم شرعی، افعال عباد است. صاحب کشف می‌افزاید: این اشکال وارد است.^۳

از آنچه یاد شد یک وجه تمایز میان زکات و صدقه معلوم می‌شود و آن اینکه صدقه مقدار معین از مال نیست، ولی زکات مقدار معین است، اما علاوه بر این وجه تمایزی که از کشف نقل شد، وجوه تمایز دیگری میان صدقه و زکات از همین تعریف به دست می‌آید بدین شرح:

- ۱- زکات واجب و صدقه مندوب است.
- ۲- زکات باید سالانه پرداخت شود، ولی صدقه در تمام اوقات سال داده می‌شود.
- ۳- زکات به فقیر مسلمان داده می‌شود، اما صدقه را می‌توان به غیر مسلمان نیز داد.

یک وجه اشتراک میان صدقه و زکات آن است که هیچ کدام به هاشمی تعلق نمی‌گیرد و نکته دیگر اینکه از همین تعریف تا حدی تمایز زکات و صدقه با وقف نیز معلوم می‌شود.

در اینجا در مورد کلمه «وقف» هر چند نوعی تکرار گونه است، توضیح بیشتری می‌آوریم، تا تمیز آن با زکات و صدقات از جهت ماهیت و احکام بهتر روشن گردد. به نظر نگارنده مباحث مربوط به این مسائل فقهی و حقوقی با هم اختلاط و امتزاج پیدا کرده و در کتابهای مربوط به صورت پراکنده آمده و حدّ و مرز آنها به طور دقیق روشن نشده است. لذا ابتدا کلمه «وقف» را از جهت معانی لغوی و اصطلاحی بررسی کرده، آن گاه به ذکر اقسام، احکام و شرایط آن می‌پردازیم.

وقف: صاحب کتاب الفقه علی المذاهب الخمسة در آغاز کتاب در تعریف وقف چنین می‌نگارد: جمع وقف «وقوف و اوقاف» است و فعل «وقف» از آن مشتق است و فعل «اوقف» به ندرت به کار رفته است. این سخن علامه حلی است در کتاب تذکرة: این کلمه در لغت به معنی منع است چنان که وقتی گفته شود: «وقف عن السیر» به معنی

۲- کشف اصطلاحات الفنون، ذیل: زکوة.
 ۳- الفقه علی المذاهب الخمسة، محمد جواد مغنیه، ص ۵۸۵ تا ۵۸۷.



بی آنکه اثر حقوقی آن عمل را به طور روشن و صریح ذکر کرده و یا ماهیت حقوقی و فقهی آن را معلوم دارند. باری اینک ترجمه عبارت شیخ در کتاب نه‌ایه:

مکروه است که انسان آنچه را به همسر خود بخشیده، پس بگیرد، همان طور که مکروه است زوجه آنچه را به شوهر هبه کرده پس بگیرد، و هر چیز را که انسان در راه خدا داده به هیچ وجه روانیست آن را پس بگیرد. وهم هر چیز را که انسان در راه خدا «صدقه» داده است روانیست که با فروختن یا هبه کردن یا صدقه دادن به خود برگرداند، اما اگر به میراث به او برگردد رواست.

و اگر کسی مالی جدا کرد که آن را در راه خدا به «صدقه» دهد، ولی آن کس که می‌خواست صدقه به او بدهد درگذشت (پیش از آنکه صدقه به او تسلیم شود) باید آن را به دیگری به «صدقه» بدهد و جزء اموال خود در نیارد.^۴

این بود تمام سخنی که شیخ در باب صدقه گفته است و با ملاحظه در کلام وی می‌بینیم گذشته از اینکه سخنی در مورد ماهیت صدقه نگفته و معلوم نکرده است که صدقه عقد است یا ایقاع یا عبادت حکم به عدم جواز استرداد مالی که به صدقه داده شده را نیز مبهم می‌گذارد و معلوم نیست که مقصود وی حرمت استرداد مالی است که به صدقه داده شده یا کراهت آن؟ و نیز معلوم نیست که مال از ملکیت صدقه دهنده خارج شده است یا تنها برگردان آن به اموال صدقه دهنده مکروه یا حرام است؟ و اگر مقصودش آن باشد که از مالکیت صاحب مال خارج شده است، چگونه از طریق ارث به مالکیت وی در می‌آید؟ بعلاوه دلیل نقل مالکیت چیست؟

محقق حلی یکی از کتابهای شرایع الاسلام را تحت عنوان «وقوف و صدقات» قرار داده و تحت این عنوان از وقف و سکنی و رقبی و هبات بحث می‌کند. او تنها در مورد بعضی اقسام هبه، استرداد مال موهوب را جائز نمی‌داند. عجیب آن است که با آنکه عنوان کتاب «وقوف و صدقات» است، اصلاً اشاره‌ای به صدقه ندارد؛ نه از جهت حکم و نه از جهت ماهیت.

اشکال دیگری که هم به شیخ الطائفه و هم به محقق - به نظر - وارد است، اینکه اصولاً از نظر معنی، کلمه «صدقه» با کلمه «زکات» تناسب و قرابت بیشتری دارد تا با کلمه «وقف». ولذا هم در لغت، برخی زکات و صدقات را به یک معنی دانسته‌اند و هم در لسان شرع - چه در قرآن و چه در احادیث - کلمات «زکات و صدقات» بیشتر باهم آمده و قریب المعنی به کار رفته است.

از آنچه تاکنون آورده شد می‌توان نتیجه گرفت که فرق زکات و وقف و صدقات از جهت ماهیت این است که زکات عبادت مالی است و وقف نوعی خاص بین عقد و ایقاع و عبادت است که نقل مالکیت را از مالک عین افاده می‌کند و صدقه عملی است در پاره‌ای موارد عبادی (اگر به قصد قربت باشد) ولی ناقل مالکیت صاحب مال نیست؛ زیرا دلیلی بر انتقال مال از مالکیت مالک در دست نیست و بنابراین، اصل، بقای مالکیت مالک است. و در پاره‌ای موارد تنها یک عمل نیک است بی‌آنکه عبادت محسوب شود و این در صورتی است که صدقه دهنده کافر باشد یا قصد قربت نداشته باشد، که در فرض یاد شده حکمی وضعی ندارد و نه عبادت است و نه معامله، اما از جهت حکم تکلیفی و اقسام هر یک آنها مباحثی است که از این پس مورد بررسی قرار خواهد گرفت. و جوه اختلاف کلمات زکات و صدقه و وقف به اختصار چنین است:

۱- وقف و صدقه واجب نیستند به خلاف زکات.

۲- مقدار مال وقف و صدقه معین نیست اما مقدار زکات معین است.

۳- صدقه و زکات به هاشمی تعلق نمی‌گیرد ولی وقف بر هاشمی صحیح است.

۴- در زکات قصد قربت شرط صحت است اما در وقف و صدقه قصد قربت شرط صحت نیست و اگر شرط دانسته شود، شرط ثواب و کمال است.

برای روشن تر شدن تمایز ماهوی این سه لازم است تحقیق و امعان نظر بیشتری به عمل آید، لذا به نظر رسید که آنچه را پاره‌ای از فقهای امامیه تحت عنوان کتاب «اوقاف و صدقات» آورده‌اند ذکر کرده بررسی کنیم تا ضمن آن، اختلاف نظر فقهای امامیه هم تا اندازه‌ای معلوم شود.

شیخ الطائفه در کتاب النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی تحت عنوان «الکتاب الثامن فی الاوقاف و الصدقات» به تفصیل درباره مباحث «وقف» سخن می‌گوید، آن گاه «سکنی و عمری و رقبی» و سپس اقسام «هبه» را شرح می‌دهد و احکام آنها را بیان می‌دارد و در ضمن بیان اقسام احکام هبه، اشاره‌ای به «صدقات» دارد بی‌آنکه ماهیت آن را معلوم کند؛ یعنی معلوم دارد که صدقه چیست؟ آیا از اقسام هبه است؟ و اگر چنین است عقد است یا ایقاع یا عبادت؟ محقق هم در شرایع کتابی تحت همین عنوان دارد و همان احکام و مباحثی را که شیخ در نه‌ایه آورده است با اختلاف تعبیرات می‌آورد؛ بی‌آنکه اصولاً اشاره‌ای به «صدقه» داشته باشد. در تفحص مختصری که به عمل آوردم ندیدم فقهی «صدقه» را تعریف کرده و به ذکر ادله و احکام آن بپردازد فقها یا اصولاً اسمی از «صدقه» نیاورده‌اند و یا اینکه ضمن مباحث مربوط به «نحل و هبات» به احکام آن پرداخته‌اند،

۴- النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، ج ۲، ص ۶۱۹، چاپ دانشگاه تهران.

